

## درباره فیلم سب و سلما

جام جم آنلاین: فیلم دینی ساختن، هم تلاش مضاعفی می‌طلبد و هم مسوولیت مضاعفی را پیش روی سازندگانش قرار می‌دهد.



### درباره فیلم سب و سلما

#### دشواری‌های ساختن فیلم دینی

جام جم آنلاین: فیلم دینی ساختن، هم تلاش مضاعفی می‌طلبد و هم مسوولیت مضاعفی را پیش روی سازندگانش قرار می‌دهد. پرده اول - سینمای دینی: در سال‌های پس از انقلاب، برای ارائه یک تعریف درست و منسجم از سینمای دینی، مسوولان تلاش زیادی کردند.

هر بار هم در هر دوره‌ای که حرفی به میان می‌آمد و جریان‌ی ایجاد می‌کرد، عمر کوتاه مسوولیت‌ها به پایان می‌رسید و مدیر جدید، تعریف تازه‌تری از این سینما ارائه می‌کرد و این روند ادامه یافت تا اکنون.

&#171# سب و سلما» یک فیلم دینی ساده و بی‌ادعاست که در شرایط کنونی، مضمونی متعالی را دستمایه قرار داده و با حضور بازیگرانی ناشناس (بجز یکی دو نفر در نقش‌های مکمل) می‌خواهد در کوران رقابت در سینمای ایران، هویت خود و ضرورت وجود چنین آثاری را اثبات کند.

خیلی‌ها از زمان نمایش فیلم جشنواره و حتی در این روزها دوست دارند سب و سلما را با دو فیلم دینی دیگر یعنی &#171# زبیر نور ماه» و &#171# طلا و مس» مقایسه کنند.

دلیل اصلی این مقایسه، یکی مضمون مشابه این فیلم‌هاست و دیگری محوریت یک شخصیت روحانی (در اینجا طلبه‌ای جوان) در طول ماجرا.

اما تفاوتی که سب و سلما با دو فیلم ذکر شده دارد، به نوع فضا سازی و لحن قصه برمی‌گردد که در بخشی دیگر به آن خواهیم پرداخت و می‌گوییم آیا این میزان نمادپردازی و تلاش برای نزدیک شدن به فضاهای خیالی و فانتزی به غنای بصری و مضمونی اثر کمک می‌کند یا نتیجه‌ای معکوس خواهد داشت، اما به هر حال یادمان باشد ساختن یک فیلم دینی، طبق هر تعریف و با هر سلیقه‌ای، یکی از دشوارترین کارهاست، زیرا یک فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان باید ضمن حفظ کیفیت فیلمش و رعایت استانداردهای سینمایی، اثری بسازد که مبتنی بر آموزه‌های انبیاء و بر مبنای کتاب مقدس مسلمان باشد.

در غیر این صورت، هر آنچه ساخته می‌شود اگر ویژگی اول را نداشته باشد، هیچ‌گونه تاثیری بر سینمای ایران نخواهد گذاشت، زیرا با همه پیام‌ها و ارزش‌های مضمونی‌اش ممکن است از روایت یک داستان عاجز باشد و نتواند در شخصیت‌پردازی موفق عمل کند و اگر ویژگی دوم را نداشته باشد، آن وقت می‌شود تلقی شخصی از دین.

همچنان که بسیاری از فیلمسازان فرنگی و حتی هالیوودی نیز با برداشت‌های خاص خودشان از تورات و انجیل فیلم‌هایی می‌سازند که ممکن است قابلیت استنادی نداشته باشند و اگر از سازندگان‌شان هم بپرسید مدعی نیستند که به منابع اصلی‌شان وفادار بوده‌اند.

پس فیلم دینی ساختن، هم تلاش مضاعفی می‌طلبد و هم مسوولیت مضاعفی را پیش روی سازندگانش قرار می‌دهد.

آنان از یک سو باید به عنوان کارگردان، نویسنده، فیلمبردار، تدوینگر، بازیگر و... از جنبه‌های فنی و تخصصی فیلم دفاع کنند و از سوی دیگر به عنوان یک دین‌شناس، توجیهاتی متقاعدکننده درباره شیوه خوانش‌شان از قصص قرآنی و روایات مشهور داشته باشند.

پرده دوم - قصه و شخصیت‌پردازی: آنچه فیلم‌های دینی ارزشمند و ماندگار را از نمونه‌های شعاری و دم‌دست و مدعی جدا می‌سازد، ارتباط عمیق و درست یک اثر است با تماشاگر و این مهیا نمی‌شود مگر به لطف قصه‌گویی و شخصیت‌پردازی درست و دقیق.

این موضوع دقیقاً ادامه منطقی موضوعی است که در بالا به آن اشاره شد. چنان‌که هر اندازه یک کارگردان عالم به مسائل دینی و مسلط بر روایات باشد، تا وقتی شیوه انتقال صحیح آنها را بر مدیومی مانند فیلم نداند، به یقین اثر او ناکارآمد خواهد بود.

تصور کنید قصه حضرت یوسف(ع) را که عموم مردم جزئیات دقیق آن را بارها خوانده و ملکه ذهن کرده‌اند و هیچ تازگی برایشان ندارد که مثلا از روی کنجاوی بنشینند و سریال «171#& یوسف پیامبر» را ببینند اما با وجود این چرا یوسف پیامبر تا این اندازه در جلب مخاطب موفقیت به دست آورد؟ پاسخ روشن است.

این سریال شخصیت‌پردازی درستی داشت و قصه‌اش نیز پرکشش بود. یکی از دلایل موفقیت سریال یوسف پیامبر هوشمندی سازنده‌اش در دعوت از آدم‌های خبره و اهل فن بود.

همکاری این افراد در کنار یکدیگر بود که منجر به چنان نتیجه‌ای شد. غیرممکن است اگر کارگردانی بخواهد یک تته بار فیلمی با چنین رویکردی را به دوش بکشد و به موفقیت هم برسد. این نکته‌ای است که در کار جدید حبیب‌الله بهمنی رعایت نشده است.

او در توجیه انتخاب هادی دیباجی به عنوان بازیگر اصلی فیلم گفته نمی‌خواسته تماشاگر هیچ تصویری از چهره و سابقه بازیگرش داشته باشد. این درست، اما باید بازیگری انتخاب می‌شد که در موقعیت‌های پیچیده فیلم بتواند گلیم خود را از آب بیرون بکشد و حتی برای تماشاگر جذاب باشد (اتفاقی که درباره مصطفی زمانی افتاد و دیدیم محبوبیت سریال یوسف پیامبر چه تاثیری در آینده حرفه‌ای او داشت).

تازه فقط توانایی بازیگری نیست که اهمیت دارد، بلکه چهره انتخاب شده هم باید دارای کاراکتری خاص و جذاب برای تماشاگر باشد. جالب است در این فیلم، بازیگری با قابلیت‌های بهروز بقایی در نقش کوتاه و مکمل حضور می‌یابد، اما نقش اصلی به بازیگری تعلق می‌گیرد که فاقد توانایی ایفای نقش در موقعیت‌های سنگین و جدی فیلمنامه است.

فیلمنامه سیب و سلما، کار سیدناصر هاشمزاده است. او یکی از جدی‌ترین علاقه‌مندان به مباحث دینی در سینماست و فیلمنامه‌هایی هم که نوشته اغلب مضامین دینی و عرفانی دارد.

اما در باب سیب و سلما باید گفت فیلمنامه‌اش با وجود وفاداری به همه عناصر نویسنده، دارای فصل‌ها، موقعیت‌ها و المان‌هایی است که برای تماشاگر امروزی کمی گل‌درشت به نظر می‌رسد.

مثلا برای نشان دادن جوان‌های نسل امروز و سرگرمی‌هایشان اولین چیزی که ممکن است به ذهن هر کسی برسد، جوانی با تیپ و ظاهری امروزی است که همواره موسیقی‌هایی ریتمیک و فرنگی می‌شنود. این برای فیلمی در حد و اندازه‌های سیب و سلما اصلا تصویر عمیق و مناسبی نیست.

اگر قرار بر تقابل دو ایده یا دو نحوه زندگی و اعتقاد باشد باید موضوع را کمی جدی‌تر نگریست. خیلی وقت‌ها وفاداری به واقعیت‌های اطراف، وقتی ظرایفی به آن افزوده نشود و تغییری متناسب با حال و هوای فیلم نداشته باشد، اصلا نمی‌تواند مزیتی باشد.

سیب و سلما فیلمی است که سیدناصر هاشمزاده با الهام از طرح جهانگیر الماسی، فیلمنامه‌اش را نوشته است. حبیب‌الله بهمنی نیز که این فیلم را کارگردانی کرده، آثار متعدد و مختلفی را در کارنامه‌اش دارد از فیلم‌های اکشن و دفاع مقدسی تا نمونه‌هایی از فیلم‌هایی با گرایش استعلائی در سینما.

سیب و سلما مقدمه‌ای مناسب است برای ورود این کارگردان باتجربه به عرصه‌ای که کمتر کسی شهادت ورود به آن را دارد.

جای خالی فیلم‌هایی از این دست میان فیلم‌های پرهیاهو، اما بی‌خاصیت سینمایی ایران که مدعی دینمداری هستند بشدت احساس می‌شود.

لیلا خراط